

پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی کرمانشاه و راه کارهای بهبود کیفیت آموزش در آنها

امیر مرادی^{۳۹}

محسن کردلو^{۴۰}

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی و راه کارهای بهبود آموزش در آنها است. برای درک تجارب زیسته معلمان از روش پژوهش نمودشناسی تفسیری که از رویکردهای پژوهش کیفی و روش تحلیل محتوا است، استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش حاضر، بر اساس نمونه‌گیری هدف‌مند، از بین معلمانی انتخاب شدند که بیش از دو سال در کلاس‌های چند پایه سابقه تدریس داشته‌اند. داده‌ها از راه مصاحبه‌های ژرف نیمه سازمان‌یافته با ۱۲ معلم (۶ مرد و ۶ زن) در مورد تجارب و ادراک‌شان درباره سوالات پژوهش جمع‌آوری و سپس به روش ون من تحلیل شدند. بر بنیاد یافته‌های پژوهش، آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه شامل کمبود وقت، امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی، بهره‌گیری از معلمان کم‌انگیزه و کم‌تجربه، شیوه‌های تدریس ناکارآمد، تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی، دو زبانه بودن، ضعف علمی پایه‌ای، غیبت زیاد است. بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی، انتخاب معلم‌یار، الگوهای نوین تدریس، حمایت مسئولان، تهیه تجهیزات کمک‌آموزشی و استفاده از معلمان با انگیزه راه کارهای پیشنهادی جهت بهبود کیفیت آموزش مدارس چند پایه بودند. در پایان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با بکارگیری راه کارهای آموزشی و روان‌شناختی، دانش آموزان چند پایه می‌توانند پیشرفتی همسان با دانش آموزان کلاس‌های تک پایه داشته باشند.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، آسیب‌های آموزشی، چند پایه، روستایی، راه کارها، کیفیت آموزش.

^{۳۹} دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران، مدرس دانشگاه فرهنگیان^{۳۹} amirmoradi8@yahoo.com

^{۴۰} دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران، مدرس دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مقطع نظام آموزشی، دوره ابتدایی است که در ایجاد تحولات اساسی در جوامع و پیشرفت آن‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند. این دوره زمانی در پیشرفت و توسعه دولت‌ها موثر واقع می‌شود که کیفیت مناسبی بر آن حاکم باشد. در نظام آموزش و پرورش هر جامعه‌ای، مدارس ابتدایی از جایگاه والایی برخوردار بوده و به نام‌های تعلیمات ابتدایی، تعلیمات اجباری، آموزش همگانی و آموزش عمومی خوانده شده است (شکوهی، ۱۳۸۵). این دوره نه تنها پایه و مبنای مهم برای دوره‌های بعدی محسوب می‌گردد؛ بلکه بخش عمده‌ای از تربیت و یادگیری‌های کودکان که بزرگترین سرمایه و ثروت بالقوه جوامع را تشکیل می‌دهند، در مدارس ابتدایی تحقق می‌یابد (ده‌بندی، ۱۳۸۵).

در جوامع مختلف، دوره ابتدایی با توجه به جمعیت دانش‌آموزی آن به صورت‌های مختلفی برگزار می‌گردد، یکی از این شیوه‌ها، تشکیل کلاس‌های چندپایه‌ای می‌باشد. منظور از آموزش چندپایه موقعیت‌هایی است که در آن دانش‌آموزانی که از نظر سنی و توانایی گوناگون هستند، همه زیر یک سقف آموزش می‌بینند. از نظر سازمانی، آموزش چندپایه می‌تواند شکل‌های گوناگونی به خود بگیرد: از مجموعه‌ای از پایه‌های آموزشی معمولی زیر نظر یک آموزگار تا محیط‌های آموزشی که اصولاً هیچ‌گونه پایه‌بندی ندارد. به این ترتیب مدارس چندپایه، نقطه‌ی مقابل مدارس سنتی است، که در آن دانش‌آموزان هر پایه در اتاقی جداگانه و با آموزگاری ویژه خود آموزش می‌بینند (آقازاده، ۱۳۹۱: ۱۲). اگر چه در حال حاضر وجود یک کلاس چندپایه چالش‌ها و مشکلاتی را به همراه دارد، اما می‌توان گفت که یک کلاس چندپایه نمادی از تمام برنامه‌های آموزشی، پرورشی و اداری آموزش و پرورش در نوع ارائه خدمات در این حوزه‌ها می‌باشد (میرشفیعی، ۱۳۹۴).

آموزش چندپایه‌ای راه‌کاری است برای جلوگیری از بسته شدن مدارس معمولی که از نظر اقتصادی به صرفه نیستند. این نوع آموزش نقش مهمی در بهبود میزان دستیابی به آموزش ابتدایی دارد و با وجود محدودیت‌ها و دشواری‌هایی که در زمینه‌های مالی و نیروی انسانی وجود دارد به ارائه خدمات آموزشی کمک شایانی می‌کند (حاجی اسحاق، ۱۳۸۳).

در خصوص کلاس‌های چندپایه، آسیب‌های آموزشی آن و راه‌کارهای بهبود کیفیت آموزش در آن پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، مثلاً پیروی چشمناسر، شعبان‌نژاد و کریمی پورشمس‌آبادی (۱۳۹۴) دریافتند که عوامل درون‌کلاسی و برون‌کلاسی (کمبود وقت برای تدریس، عدم برخورداری از تجهیزات و امکانات، نوع چیدمان، برنامه‌ریزی، زیباسازی فضای مدرسه، بیسوادی اولیا، تدریس محتوای مشترک پایه‌ها در یک جلسه، یکسان بودن محتوای برنامه‌درسی، انتشار فصلنامه ویژه کلاس‌های چندپایه، تدوین دفتر ثبت شاخص‌های توصیفی و پوشه‌کار ویژه چندپایه، کمبود وسایل کمک آموزشی، عدم دسترسی به منابع آموزشی جدید و ناکافی بودن سرانه) در فرایند تدریس و کلاس‌داری تأثیر دارد. بشیری حدادان (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان داد؛ کیفیت آموزش به دلیل عدم آگاهی معلمان با روش‌های تدریس ویژه این کلاس‌ها و برگزار نشدن دوره‌های آموزشی ویژه چندپایه پایین بوده و با مشکلات متعددی مواجه است که از مهمترین آن‌ها نداشتن دوره‌های آموزشی ویژه چندپایه، ضعف بنیه علمی دانش‌آموزان چندپایه، کمبود وقت آموزشی، کمبود سرانه، کمبود امکانات و وسایل کمک آموزشی است. صمدیان (۱۳۸۵) اعلام می‌کند مسایلی مانند مهاجرت روستاییان، تعصبات قومی، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش جمعیت، پراکنندگی روستاها، عدم تأمین نیروی انسانی مجرب و افزایش نرخ تکرار پایه و ... باعث شده کلاس‌های چند پایه در مناطق روستایی کشور گسترش یابد. آقازاده و فضلی (۱۳۸۹) نیز بر گسترش کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی از دو جنبه فلسفی و ملاحظات اداری اشاره می‌کنند. از لحاظ فلسفی (بهبود رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان و کاهش رفتارهای ضد اجتماعی) و از لحاظ ملاحظات اداری (عواملی مانند کاهش جمعیت دانش‌آموزی، نیازهای اداری-مالی، موقعیت جغرافیایی) در توسعه کلاس‌های چند پایه در مناطق روستایی نقش دارند (نیلور، ۲۰۰۴؛ وینمن، ۱۹۹۵). ولی در کنار این مسایل و مشکلات، علت اصلی تشکیل کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی، به حد نصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان یک پایه تحصیلی است (کیایی، ۱۳۸۲).

^۱ Multigrade classroom

^۲ Naylor

^۳ Veenman

آدامز^{۴۴} (۲۰۱۰) در پژوهش خود در مدارس چندپایه روستایی کانادا دریافت؛ مدارس چندپایه از نظر فضای آموزشی بسیار کوچکتر از مدارس تک پایه بوده و تعداد دانش آموزان این مدارس نسبت به مدارس تک پایه کمتر است. وی معتقد است این شیوه آموزش در کشورهای توسعه یافته کاربرد مناسبی دارند، البته معلمان این مدارس آموزش های زیاد و ویژه ای را جهت تدریس در آنها طی می کنند. سارجنت^{۴۵} (۲۰۰۵) در زمینه کلاس های چندپایه در کشور چین دریافت؛ چین برای این که بتواند نرج جمعیت تحت پوشش آموزش خود را افزایش دهد رو به تشکیل کلاس های چندپایه آورد. اما این نوع آموزش مورد نقد والدین و معلمان است، چرا که آنها کلاس های چندپایه را جایگزین مناسبی برای رشد و ترقی کشور نمی دانند. اجبار سیستم آموزشی چین جهت استفاده از این شیوه آموزشی از چند جهت است: جمعیت زیاد دانش آموزی، کمبود اماکن مناسب آموزشی، کمبود نیروی آموزشی و ... مکوسانا و کاپسا^{۴۶} (۱۳۸۶) نیز عوامل جغرافیایی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی- اجتماعی را از دلایل تشکیل کلاس های چندپایه در مناطق روستایی دانسته و این عوامل را باعث دور ماندن کودکان این مناطق از درس و مدرسه می دانند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می شود که کلاس های چندپایه جزئی از پیکره بزرگ آموزش و پرورش کشور هستند، پژوهش ها در این رابطه با مسائل و مشکلات مدیریت این کلاس ها جای توجه و عنایت خاص خود را دارد. بنابراین لازم است برنامه ریزان آموزشی نسبت به تجزیه و تحلیل مشکلات و جایگاه مدیران آموزشی و نارسایی های کلاس های چندپایه اقدامات اصولی و عملی به انجام برسانند. همچنین با توجه به اهمیت وجود کلاس های چندپایه در ریشه کنی بیسواد در جامعه، توجه به مشکلات و آسیب های آموزشی این کلاس ها ضرورتی انکارناپذیر است. از نظر کاربردی، نتیجه پژوهش حاضر را می توان به سیاست گذاران، برنامه ریزان و مدیران و مسئولان ارائه داد و آنها را از رویکردهای مفید و اثربخش آموزشی آگاه و به کار بست آنها تشویق و ترغیب کرد. در نهایت اگر انتظار این است که آموزش و پرورش انسان های فردا را تربیت کند، ضرورت دارد دانش آموزانی که در مدارس و کلاس های ابتدایی، به ویژه مدارس روستایی و دور افتاده هستند مورد توجه قرار گیرند و آموزش با کیفیتی را دریافت کنند. بر این اساس، در این پژوهش محققان در صدد هستند تا به بررسی و پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب های آموزش در کلاس های چند پایه روستایی کرمانشاه و راه کارهای بهبود آموزش در این کلاس ها بپردازند. لذا هدف اصلی پژوهش، پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب های آموزش در کلاس های چند پایه روستایی کرمانشاه و راه کارهای بهبود آموزش در این کلاس ها است. دو سوال اصلی پژوهش عبارت است از:

- از دیدگاه شرکت کنندگان، مهم ترین آسیب های آموزش در کلاس های چند پایه روستایی کرمانشاه چیست؟

- از دیدگاه شرکت کنندگان، مهم ترین راه کارهای کیفیت بخشی به آموزش در کلاس های چند پایه روستایی کرمانشاه کدامند؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش «نمودشناسی هرمنوتیکی» یا «نمودشناسی تفسیری» از رویکردهای پژوهش کیفی (گیون، ۲۰۰۸) صورت گرفته است. این روش نخستین بار از سوی هایدگر (۱۹۹۶) و برای توصیف و بررسی بودن و نیز هستی آدمی به کار گرفته شد. او برای این کار نمودشناسی هوسرل را با اندیشه های دیلتی درباره فهم آمیخت که هم نمودشناسی و هم هرمنوتیک را متحول کرد (ضرغامی و بازقندی، ۱۳۸۹).

نمودشناسی ریشه در نهضتی فلسفی دارد که هوسرل آن را آغاز کرد. به باور هوسرل (به نقل از ساکولوفسکی، ۲۰۰۰) نمودشناسی، روشی است که «دیدن» ذات، حقیقت یا معنای هر چیزی را ممکن می کند. وی بر این باور بود که نقطه شروع دانش، تجربه درونی فرد از پدیده ها است که عبارتند از؛ احساس ها، ادراک ها و تصورهایی که به هنگام متمرکز کردن توجه بر یک شی در آگاهی آشکار می شود، هوسرل فرایندهای مختلفی را- که آنها را با اصطلاحات غربی چون تعلیق حکم، فروگاهش استعلایی- پدیدارشناختی، تغییر خیالی و عمل ادراک توصیف کرد (گال و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۴۸). بنابراین تأکید هوسرل در بررسی تجربه های آدمی بر آگاهی است. وی بر آن است که برای تحلیل و روشن بینی نسبت به تجربه و دانشی که از امور مختلف همچون درخت ها، اشخاص، اصول، فرشتگان و فرایندهای اجتماعی

^{۴۴} Adams

^{۴۵} Sargent

^{۴۶} Mkosana & Kapesa

داریم، باید به بررسی آگاهی که از آن‌ها داریم، پردازیم و با تحلیل این آگاهی به شیوه‌ای پدیدارشناسانه، به ماهیت اساسی آن‌ها راه یابیم (باقری، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

در این پژوهش از نمودشناسی تفسیری با تأکید بر رویکرد ون منن برای کشف تجربه‌های زیسته شرکت کنندگان درباره آسیب‌ها و راه کارهای کیفیت‌بخشی آموزش در کلاس‌های چندپایه بهره گرفته شده است. به باور ون منن (۲۰۰۱) نمودشناسی تفسیری، رویکردی نظام‌مند برای مطالعه و تفسیر نموده‌ها است و فرصتی فراهم می‌کند تا نمود موردنظر با رویکردی تفسیری تحلیل شود تا پژوهشگر در فرایند تفسیر تجربه‌های زیسته مشارکت کنندگان را درک کند. ون منن سه مرحله را برای هدایت پژوهش نمودشناسی تفسیری در قلمرو تربیت، پیشنهاد می‌کند. گام نخست گردآوری داده‌های مربوط به «زیست جهان» مشارکت کنندگان و نیز خود پژوهشگر است. تجربه‌های زیسته پژوهشگر از آن رو لازم است که از سویی او خود درباره مسأله پژوهش، تجربه‌هایی دارد و از سوی دیگر او است که تجربه‌های زیسته مشارکت کنندگان را تفسیر می‌کند. بنابراین در گام نخست از طریق مصاحبه، تجربه زیسته معلمان شرکت کننده در پژوهش که از منتخبان معلمان کلاس‌های چندپایه روستایی در سنوات قبل هستند، گردآوری می‌شود. گام دوم، آشکارا ساختن موضوع‌های زیربنایی است. به سخن دیگر در این گام، ساختار زیربنایی داده‌ها، آشکار می‌شوند. در این گام داده‌های حاصل از تجربه زیسته معلمان چندپایه به تفکیک در دو موضوع محوری آسیب‌ها و راه کارها تفکیک می‌شود. گام سوم، سازماندهی پیشنهادها و جهت‌گیری‌ها برای اقدام عملی بر مبنای یافته‌های حاصل از برداشتن گام‌های پیشین است. لذا در گام آخر در دو محور اصلی آسیب‌ها و راه کارها تجارب زیسته معلمان تفسیر و تحلیل می‌شود بدین ترتیب این گام‌ها، چارچوبی برای اندیشه‌ورزی درباره نمود مورد مطالعه و تفسیر آن فراهم می‌کنند.

همچنین از روش تحلیل محتوا و به روش کیفی نیز جهت تجربه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. همچنین با تحلیل محتوای کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۲). شیوه به کارگیری روش تحلیل محتوا در این پژوهش بدین صورت بوده است که ابتدا فراوانی کمی مصاحبه‌ها از متن نوار استخراج شده و سپس از طریق تحلیل کیفی گویه‌ها و جملات متناسب با موضوع و سوالات محقق مورد تحلیل قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات یک روند تقریباً متوالی است که به سوی توصیف و تفسیر دقیق پدیده مورد تحقیق منتهی می‌شود.

با نظر به هدف پژوهش حاضر، نمونه آماری ۱۲ نفر (۶ نفر خانم و ۶ نفر مرد) از شرکت کنندگان برگزیده از بین معلمان کلاس‌های چندپایه روستایی در سطح نواحی سه‌گانه شهر کرمانشاه می‌باشند (با توجه به رعایت اصل اخلاق‌نگری در پژوهش‌های کیفی، از ذکر اسامی شرکت کنندگان خودداری می‌شود). معیار انتخاب هدف‌مند شرکت کنندگان در پژوهش شامل این مورد بود که حداقل دو سال سابقه تدریس در کلاس‌های چندپایه روستایی را داشته باشند.

جدول شماره ۱: مشخصات شرکت کنندگان در پژوهش

شرکت کننده	جنسیت	مدرک و رشته تحصیلی	سابقه خدمت	سابقه خدمت در روستا	محل خدمت
۱	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۱ سال	۳ دوره	ناحیه یک
۲	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۵ سال	۲ دوره	ناحیه سه
۳	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۳ سال	۳ دوره	ناحیه یک
۴	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۰ سال	۱ دوره	ناحیه دو
۵	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۸ سال	۴ دوره	ناحیه دو
۶	مرد	فوق لیسانس - علوم تربیتی	۱۳ سال	۲ دوره	ناحیه یک
۷	زن	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۲ سال	۲ دوره	ناحیه سه
۸	زن	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۷ سال	۳ دوره	ناحیه یک

ناحیه دو	دوره ۱	۹ سال	لیسانس - آموزش ابتدایی	زن	۹
ناحیه یک	دوره ۳	۱۵ سال	لیسانس - آموزش ابتدایی	زن	۱۰
ناحیه سه	دوره ۴	۱۸ سال	فوق لیسانس - ادبیات فارسی	زن	۱۱
ناحیه یک	دوره ۴	۱۶ سال	لیسانس - آموزش ابتدایی	زن	۱۲

برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته و ژرف و از نمونه گیری هدف‌مند و در دسترس بهره گرفته شد. در فرآیند مصاحبه از سوالات باز و نیمه سازمان یافته استفاده شد به گونه ای که مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوالات آزادی عمل داشتند و تنها وظیفه محقق کنترل جهات پاسخ‌ها بود تا از مسیر اصلی پژوهش خارج نشوند. مصاحبه با دو پرسش کلی درباره تجربه تدریس در کلاس‌های چندپایه روستایی و آسیب‌های آموزش در آن و راه کارهای کیفیت‌بخشی به آن شروع شد.

با توجه به ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع مصاحبه، شرکت کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در مصاحبه شرکت نمودند. جهت ضبط صدای شرکت کنندگان از آنها اجازه گرفته شد. پس از پایان هر مصاحبه، داده‌های مصاحبه‌ها به متن تبدیل شدند و متن حاصل، تحلیل موضوعی شد. جداسازی و نگارش گزاره‌های موضوعی، برای هر مصاحبه، جداگانه انجام شد. بدین ترتیب دسته‌بندی‌های نخستین شکل گرفت و موضوع‌های مربوطه در آن‌ها جای گرفتند. با تلفیق موضوع‌های تکراری و مشترک و حذف موضوع‌های نامرتبط، موضوع‌های بنیادی مشترک نمودار شدند.

برای بررسی روایی و دقت پژوهش، اعتبار، اطمینان و تأییدپذیری داده‌ها، به این ترتیب بررسی شد (هالوی و ویلر، ۲۰۰۲): برای آزمودن اعتبار، یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و آن‌ها، یافته‌های پژوهش را با تجربه‌های زیسته خود بعد از تطابق پذیرفتند. همچنین ژرف اندیشی و علاقمندی و دقت پژوهشگران در فرآیند مصاحبه و توصیف، تجزیه و تحلیل و تفسیر متون مصاحبه اطمینان و تأیید پذیری یافته‌ها را تضمین کرده است.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر پس از تبدیل مصاحبه‌ها به متن و توصیف و تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته، مولفه‌های آسیب‌های آموزشی و راه کارهای کیفیت‌بخشی آموزش پیشنهادی معلمان چندپایه شرکت‌کننده در مصاحبه استخراج و در ادامه به ترتیب مضمون‌های آسیب‌های آموزشی و راه کارهای کیفیت‌بخشی ارائه خواهد شد.

الف- آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه:

آسیب‌های آموزشی متعددی توسط شرکت کنندگان مطرح گردید. مهمترین آن‌ها موارد زیر است:

۱- کمبود وقت:

با توجه به حجم و تعداد کتب درسی در دوره ابتدایی، کمبود وقت یکی از چالش‌های مهم و اساسی کلاس‌های چندپایه است. کمبود وقت در اکثر موارد به افت تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود.

شرکت‌کننده شماره ۳: «ما آموزگاران ابتدایی در یک هفته ۲۵ جلسه‌ای باید ۱۵۰ جلسه تدریس و فعالیت آموزشی را برنامه‌ریزی نماید. بدین صورت که ۶ تا ۲۵ ساعت را در قالب چهار ساعت می‌گنجاند و میان دانش‌آموزان شش پایه تقسیم می‌کند که علاوه بر تلاش مضاعف، تعهد و ایثارگری و هنرمندی معلم را در اداره کلاس و به‌کارگیری روش‌ها و الگوهای تدریس و ایجاد فضای مساعد و دل‌انگیز توأم با ابتکار عمل و خلاقیت می‌طلبد که در اغلب اوقات کمبود وقت پیش می‌آید».

شرکت‌کننده شماره ۹: «حجم زیاد کتاب‌های درسی و تعداد زیاد دانش‌آموزان در هر شش پایه و همچنین متفاوت بودن سطح درسی و علمی آن‌ها سبب شده است وقت برای آموزش و تدریس در پایه‌های مختلف کم بیاورم».

شرکت‌کننده شماره ۱۲: «قبلاً پنج پایه در ابتدایی داشتیم و می‌توانستیم وقت و زمان آموزش را مدیریت کنیم، اما حالا شش پایه داریم و متأسفانه به دلیل حجم زیاد محتوا و سنگینی دروس اصلی دچار کمبود وقت می‌شویم».

۲- کمبود امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی:

تجهیزات کمک آموزشی وسایلی هستند که در کلاس درس، کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه، مراکز دیداری و شنیداری و مرکز رایانه وجود دارند. فقدان منابع و مواد یاددهی - یادگیری یکی دیگر از آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه است.

شرکت‌کننده شماره ۲: «اغلب مدارس و کلاس‌های چندپایه روستایی فاقد تجهیزات و وسایل کمک آموزشی مناسب هستند، چون اغلب این کلاس‌ها در روستاهای کم جمعیت، گلی و خشتی هستند و اغلب بسیار کوچک هستند».

شرکت‌کننده شماره ۵: «عامل اصلی برانگیختن فراگیر به درس و مطالعه، امکانات و تجهیزات کمک آموزشی متنوع مانند کیت‌های آموزشی ریاضی و علوم، پازل‌ها، ابزارهای ریاضی و ابزارهای علمی در محیط کلاسی است، اما دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه روستایی از این عامل محرومند».

شرکت‌کننده شماره ۱۰: «مدرسه‌ای که من در آن آموزگار هستم، از لحاظ امکانات و تجهیزات کمک آموزشی اولیه با کمبود مواجه است. ما وسایل کمک آموزشی ریاضی و علوم موردنیاز را نداریم»

شرکت‌کننده شماره ۱۱: «کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی با کمترین امکانات و تجهیزات آموزشی اداره می‌شوند و حتی گچ تحریر کافی هم در این کلاس‌ها وجود ندارد».

۳- بهره‌گیری از معلمان بی‌انگیزه و یا کم‌تجربه و آموزش ندیده:

با توجه به این که معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در آسان کردن فرایند یاددهی - یادگیری دارند، آموزش ناکافی به آن‌ها و یا آماده نکردن آن‌ها برای موقعیت‌های چندپایه یکی دیگر از چالش‌های کلاس‌های چندپایه است.

شرکت‌کننده شماره ۱: «در اینجا معلمانی که برای تدریس در کلاس‌های روستایی چندپایه به کار گرفته می‌شوند، اغلب از نیروهای کم‌تجربه و افراد در دسترس نظیر سرباز معلم، حق‌التدریس، نیروهای پیمانی و درصد بسیار کمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان هستند که سال‌های اولیه خدمت خود را تجربه می‌کنند».

شرکت‌کننده شماره ۴: «معلمانی که قرار است در روستاها کلاس‌های چندپایه را تدریس کنند، از هیچ‌گونه آموزش پیش از خدمتی که زمینه‌ساز تجربه عملی و تفکر درباره تدریس چندپایه باشد، برخوردار نیستند، حتی در برخی از موارد، مدرک تحصیلی آن‌ها مرتبط با آموزش ابتدایی نیست».

شرکت‌کننده شماره ۶: «به دلیل امتیازات خدمت در روستا، اغلب معلمان ابتدایی سنوات بالا که در شرف بازنشستگی‌شان است، خدمت در کلاس‌های روستایی چندپایه را انتخاب می‌کنند که متأسفانه به دلیل فرسودگی سغلی انگیزه لازم را برای تدریس با کیفیت را ندارند».

شرکت‌کننده شماره ۷: «تدریس در کلاس‌های چندپایه پر زحمت و طاقت‌فرساست و بیشتر معلمان برای تدریس کلاس‌های تک‌پایه آموزش دیده‌اند. لذا فاقد دانش و توانایی‌های کافی برای اداره مؤثر کلاس‌های چندپایه هستند. متأسفانه راهبران آموزشی هم از این معلمان کم‌تجربه هم حمایت نمی‌کنند».

شرکت‌کننده شماره ۸: «من سال اولی که آمدم تدریس، منو فرستادن به روستای کوچک که به اتاق داشت و باید چهار پایه را تدریس می‌کردم. در حالی که من سابقه تدریس نداشتم. صادقانه بگویم تدریس در سال‌های اولیه در کلاس‌های چند پایه هم برای من سخت بود و هم برای بچه‌ها. چون من عملاً هیچ تجربه تدریسی در این کلاس‌ها نداشتم».

۴- شیوه‌های تدریس ناکارآمد:

شاید در بسیاری از شغل‌ها، آزمایش و خطا برای یادگیری و تجربه کردن مسائل، همراه با خطرات و زیان‌های غیرقابل جبران نباشد، اما در تعلیم و تربیت، هر آزمایش و خطایی همراه با زیان‌های جبران‌ناپذیری خواهد بود. این امر در واحدهای کوچک آموزشی، بخصوص کلاس‌های چندپایه، اهمیت زیادی دارد، زیرا اغلب این مدارس در مناطق دورافتاده هستند.

شرکت‌کننده شماره ۲: «واقعیت آن است که برای معلمان کلاس‌های چندپایه، آموزش جداگانه‌ای وجود ندارد که چگونه در این کلاس‌ها تدریس کنند و آن‌ها ناچارند از طریق تجربه و آزمایش و خطا، روش‌های ناکارآمدی را مورد استفاده قرار دهند و تدبیر خاصی جهت ارتقای توانایی‌ها و صلاحیت ایشان جهت به کارگیری روش‌های مؤثر تبادل تجارب و اطلاعات با دیگران، اندیشیده نشده است».

شرکت کننده شماره ۹: «متأسفانه روش تدریس اکثر معلمان کلاس‌های چند پایه غیر موثر و ناکارآمد است، چرا که آن‌ها برای تدریس، یک یا دو پایه را به عنوان محور اصلی فعالیت قرار داده و برای سایر پایه‌ها (گروه غیر محور) فعالیت‌هایی در دروس هنر، انشاء و ورزش و یا رونویسی که به نظر آنها کمتر به نظارت مستقیم معلم نیاز دارند، در نظر می‌گیرند. این گروه از معلمان در واقع چند کلاس تک پایه را اداره می‌کنند، نه یک کلاس چند پایه را».

۵- تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی:

شرکت کننده شماره ۳: «به دلیل این که، دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های مختلف تحصیلی در یک کلاس با هم حضور دارند و دوره‌های مختلف رشد جسمی و ذهنی متفاوتی را با نیازهای متفاوت می‌گذرانند مشکلات بسیاری را برای همدیگر و ما معلمان بوجود می‌آورند».

شرکت کننده شماره ۵: «گاهی عدم سازگاری دختران و پسران پایه‌های پنجم و ششم با هم دیگر، دعوا و مشاجره بین آن‌ها را به دنبال دارد و این گونه مشکلات به اطلاع خانواده‌ها می‌رسد و اختلافات فردی به خانوادگی تبدیل می‌شود و متأسفانه آن‌ها معلم را مسئول ایجاد این مشکل می‌دانند».

شرکت کننده شماره ۱۰: «بزرگ‌ترین مشکل کلاس‌های مختلط چند پایه، مسائل روابط دختران و پسران و تهدیدهای جنسی آن است. همچنین می‌تواند برای دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر آموزش منفی را بدنبال داشته باشد».

شرکت کننده شماره ۱۲: «به نظر من، ترکیب سنی و جنسیتی دانش‌آموزان می‌تواند باعث بروز مشکلاتی از قبیل بی‌انگیزگی، افت تحصیلی و بی‌توجهی به یادگیری در آن‌ها را به دنبال داشته باشد».

۶- دو زبانه بودن:

در روستاهای دوزبانه که کودکان در خانه با لهجه محلی خود سخن می‌گویند و در مدرسه زبان فارسی معیار حاکم است، شرایط تدریس برای معلم مشکل است. معلم برای رفع این مشکل باید وقت زیادی را صرف کند که در این صورت از اجرای سایر فعالیت‌های یاددهی-یادگیری عقب می‌افتد. بدین ترتیب زمینه افت تحصیلی دانش‌آموزان فراهم می‌شود.

شرکت کننده شماره ۱: «اکثر دانش‌آموزان مدارس روستایی ناحیه یک کرمانشاه دو زبانه هستند که متأسفانه گاهی پیش می‌آید که یک دانش‌آموز تا پایان سال تحصیلی نمی‌تواند سه جمله فارسی با من معلم و دوستانش صحبت کند».

شرکت کننده شماره ۷: «مدیریت و آموزش کلاس‌های چند پایه دارای بچه‌های دوزبانه خیلی مشکل است، مخصوصاً برای من معلم که خودم فقط فارسی صحبت می‌کنم. به همین دلیل آموزش و تدریس من در دروس شفاهی بسیار کند و سخت پیش می‌رود».

۷- ضعف علمی پایه‌ای دانش‌آموزان:

شرکت کننده شماره ۲: «اگر بخواهم منصفانه صحبت کنم، اغلب دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه روستایی به دلیل کم‌کاری معلمان سال‌های قبل، عدم دسترسی به منابع کمک‌آموزشی، کتابخانه، مجلات درسی، روزنامه‌ها، اینترنت دچار ضعف علمی هستند».

شرکت کننده شماره ۳: «دلیل ضعف علم دانش‌آموزان روستایی متفاوت است اما بیسوادی یا کم‌سوادی والدین، کم‌توجهی به وضعیت تحصیلی آنان به سبب زیاد بودن جمعیت خانواده و مشغله زیاد والدین، حضور دانش‌آموزان در کارهای کشاورزی و امورات دامداری دلایل اصلی افت و ضعف علمی آن‌هاست».

شرکت کننده شماره ۸: «دانش‌آموزان روستایی، خزانه لغات محدودی دارند و به دلیل دوزبانه بودن برای درک و فهم مطالب و بیان اندیشه و احساسات خود با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند».

شرکت کننده شماره ۱۱: «با وجود اختصاص یافتن مربی پیش‌دستانی به اکثر مدارس روستایی، عملاً به دلیل عدم استقبال والدین و پیگیری ضعیف مربیان، خروجی موفق‌نداشته است و بعضی از مربیان فقط نام کودکان پیش‌دستانی را در کلاس ثبت کرده‌اند و یا به ندرت در کلاس‌های پیش‌دستانی حضور پیدا می‌کنند».

۸- غیبت زیاد دانش‌آموزان و معلمان:

شرکت کننده شماره ۱: «واقعیت این است که اکثر دانش آموزان روستایی بدون کسب اجازه از معلم، جهت انجام کارهای مربوط به کشاورزی، دامپروری و یا به دلیل بارندگی و سرمای هوا و بیماری به طور مکرر غیبت می کنند و یا با تأخیر به مدرسه می رسند».

شرکت کننده شماره ۶: «متأسفانه اکثر دانش آموزان کلاس بعد از تعطیلات نوروز به دلیل حضور در کارهای کشاورزی و دامداری کمتر در کلاس حضور پیدا می کنند. این امر سبب بی نظمی و اخلال در برنامه های آموزشی مدرسه می شود و مجبوریم بخشی از وقت خود را جهت آموزش دروس عقب مانده این دانش آموزان اختصاص دهیم».

شرکت کننده شماره ۹: «گاهی اوقات ما معلمان به دلیل شرکت در دوره های آموزشی، مشکلات خانوادگی، دوری و یا صعب العبور بودن راه، رسیدگی به امورات اداری مدرسه و ... غیبت می کنیم».

شرکت کننده شماره ۱۲: «اگر بخواهم منصفانه صحبت کنم، به دلیل دوری روستا و رفت و آمد کردنم ممکن است صبح ها دیرتر به مدرسه برسیم و یا ممکن است به دلیل مشکلات فوق الذکر، زودتر از مدرسه خارج شویم».

۹- نامناسب بودن فضای آموزشی مدرسه و کلاس:

محیطی که در آن آموزش صورت می گیرد، حد و مرزی ندارد؛ اما بخشی از محیط انحصاراً و عمدتاً برای آموزش طرح ریزی شده است. به این بخش که اهمیت زیادی دارد، فضای آموزشی گفته می شود. فضای آموزشی دارای دو بُعد فیزیکی و فرهنگی است. بعد فیزیکی آموزشی شامل: محوطه مدرسه، فضای سبز، کلاس ها، آزمایشگاه، کارگاه و مراکز دیداری و شنیداری و ... است که اغلب مدارس چند پایه فضای آموزشی مناسبی ندارند.

شرکت کننده شماره ۵: «مدارس روستایی اغلب ساختمان های غیراستاندارد هستند و فضای فیزیکی آن ها اصلاً شباهتی با مدارس و کلاس درس ندارند و این امر سبب می شود، من معلم نتوانم فرایند آموزشی با کیفیتی را در کلاس ارائه دهم».

شرکت کننده شماره ۱۰: «اغلب روستاهای پرجمعیت دارای ساختمان آموزشی تازه ساز هستند، اما هنوز روستاهای زیادی وجود دارند که فضای آموزشی استاندارد ندارند و دانش آموزان آن ها در یک ساختمان قدیمی، مخروبه، کم نور و ... در حال آموزش دیدن هستند».

در مجموع می توان آسیب های آموزشی کلاس های چند پایه روستایی را در جدول شماره ۱ نشان داد.

جدول شماره ۱: آسیب های آموزشی کلاس های چند پایه روستایی

کمبود وقت	آسیب های آموزشی کلاس های چند پایه روستایی
کمبود امکانات و تجهیزات کمک آموزشی	
بهره گیری از معلمان کم انگیزه و کم تجربه	
شیوه های تدریس ناکارآمد	
تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی	
دو زبانه بودن	
ضعف علمی پایه ای دانش آموزان	
غیبت زیاد دانش آموزان و معلمان	
نامناسب بودن فضای آموزشی	

ب- راه کارهای کیفیت بخشی آموزشی به کلاس های چند پایه:

راه کارهای کیفیت بخشی آموزشی متعددی توسط شرکت کنندگان مطرح گردید. مهمترین آن ها موارد زیر است:

۱- انتخاب معلم یار از بین دانش آموزان برتر هر پایه: معلم یار به افرادی از دانش آموزان گفته می شود که معلم از آن ها برای مدیریت بهتر کلاس استفاده می کند. یکی از وظایف اصلی معلم یاران کلاس، نقش نظارت کننده آن ها می باشد، به این معنی که وقتی معلم در حال تدریس به سایر پایه هایی که محور تدریس قرار گرفته اند، می باشد، معلم یار به یاری معلم شتافته و بر فعالیت های سایر پایه ها که به صورت

خودآموخت آموزش داده می‌شوند، نظارت نموده و در صورت لزوم و در حد توانایی خود، دانش‌آموزان و هم کلاسی‌هایش را راهنمایی می‌کنند و در پایان هر جلسه نیز گزارش کار فعالیت‌های دانش‌آموزان را به معلم ارائه می‌کنند.

«من میتوانم به راحتی در تدریس کتابهای کلاس‌های پایین از تجربه و دانش دانش‌آموزان کلاسهای بالا استفاده کنم. چون اونا قبلاً این کتابها رو خواندن و بلدن» (معلم، کد مصاحبه ۹).

«در کنار موانعی که در تدریس کلاسهای چند پایه وجود دارد فوایدی هم برای معلم‌ها و دانش‌آموزان دارد. مثلاً چون سن دانش‌آموزان به هم نزدیک است و زبان همدیگر رو بهتر از معلم درک می‌کنند به همین خاطر میتوانند معلم همدیگر باشند و راحت تر از معلم به یکدیگر درس بدهند. مخصوصاً پایه‌های بالا می‌توانند معلم خوبی برای پایه‌های پایین تر از خود باشند» (معاون آموزگار، کد مصاحبه ۳).

۲- بهره‌گیری از الگوهای ترکیبی و نوین تدریس: اکثر شرکت‌کنندگان در پاسخ به این سوال که بهترین روش تدریس در کلاس‌های چندپایه کدام است معتقد بودند؛ هیچ یک از روش‌های تدریس فی‌نفسه خوب یا بد نیستند، بلکه نحوه و شرایط استفاده از آن‌هاست که باعث قوت یا ضعف‌شان می‌شود. لذا معلم باید با توجه به هدف‌های آموزش، محتوی هر درس، نیازها و علایق دانش‌آموزان، امکانات موجود، تراکم دانش‌آموزان، تعداد پایه‌های موجود در کلاس و ... مناسب‌ترین شیوه را برای یک تدریس مطلوب انتخاب نماید. مسلماً در یک جلسه تدریس، الزاماً نباید فقط از یک روش استفاده کنیم و بر حسب موقعیت می‌توانیم ترکیبی از روش‌های تدریس را مورد بهره‌برداری قرار دهیم. برای انجام این مهم باید شناخت، توانایی و مهارت‌های فراوان در به کار بردن الگوهای متنوع تدریس را داشته باشیم. بسیاری از معلمان میان الگو و روش تفاوت قائل نیستند، ولی با توجه به تعاریف الگو و روش تدریس می‌توان دریافت که هر معلمی در واقع با انتخاب یک الگوی خاص، راه و روش و رسانه مورد لزوم برای رسیدن به هدف را نیز انتخاب کرده‌است. این که فقط نیاز به تغییر را بشناسیم در خیلی از موارد ما را به مقصود نمی‌رساند. دستیابی به پیشرفت آموزشی به دانسته‌ها و مهارت‌های معلمان بستگی دارد. البته معلم باید مفاهیم پیچیده را توضیح دهد اما شیوه‌های دیگری هم برای اصلاح آموزش داریم که دستیابی به آنها به مهارت معلم نیاز دارد.

۳- تأمین امکانات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی موردنیاز: اکثر شرکت‌کنندگان اعتقاد داشتند که فضای آموزش و تجهیزات یکی از مهم‌ترین عوامل توانمندسازی مدرسه است که نقش تأثیرگذاری بر کیفیت آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان دارد. با توجه به الگوهای رفتاری کودکان در محیط‌های آموزشی می‌توان فضاهای آموزشی و ورزشی مدارس را طوری طراحی کرد که باعث جذابیت و لذت‌بخش بودن محیط مدرسه برای دانش‌آموزان باشد و همین امر نقش عمده‌ای در افزایش یادگیری دانش‌آموزان دارد. در نظام آموزشی تجهیزات و وسایل کمک آموزشی به‌عنوان ابزاری برای سهولت در امر تدریس و یادگیری به کار می‌روند، زیرا آموزش تئوری و عملی را با هم ترکیب کرده و باعث یادگیری و تنوع در کلاس درس می‌شوند. بنابراین استفاده از تجهیزات و وسایل کمک آموزشی می‌تواند تجارب عینی و واقعی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد، دستیابی به نتایج فوری از آموزش را ممکن و اثر یادگیری را دائمی کند.

۴- بروز کردن و جبران کمبود اطلاعات حرفه‌ای معلمان: شرکت‌کنندگان اذعان داشتند، کلاس‌های چندپایه نیازمند معلمان حرفه‌ای و باسواد است. آن‌ها جهت بروز کردن و جبران اطلاعات حرفه‌ای این معلمان راه کارهای مختلفی را ارائه دادند که شامل برگزاری جلسات، کارگاه‌ها و دوره‌های ضمن خدمت حضوری جهت معلمان روستایی کلاس‌های چندپایه و بهره‌گیری از مدرسان صاحب‌نظر، خودتوانمندسازی معلمان از طریق مطالعه منابع، مجلات آموزشی و تربیتی و نتایج پژوهش‌های جدید در زمینه شغلی، تبادل تجارب معلمان روستایی کلاس‌های چندپایه از طریق بازدید کردن و ... بود.

۵- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی: شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که پیش‌نیاز بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در کلاس، اختصاص بودجه جهت خرید تجهیزات موردنیاز (لب‌تاپ، ویدئو پروژکتور، فیلم‌های آموزشی و ...) توسط مسئولان و مدیران و تجهیز مدارس روستایی است. اگر امکان انجام این کار برای تمامی مدارس روستایی نبود، حداقل چندین مدرسه روستایی (به عنوان مدارس معین) به این فناوری‌های تجهیز شوند، تا دانش‌آموزان سایر روستاها یک روز در هفته در آنجا حضور یابند. در ضمن می‌توان از خیرین منطقه نیز جهت خرید وسایل بهره گرفت. همچنین جهت معلمان کلاس‌های چندپایه دوره ضمن خدمت مرتبط با فناوری‌های نوین آموزشی برگزار گردد.

جدول شماره ۱: آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه روستایی

انتخاب معلم بار از بین دانش‌آموزان برتر هر پایه	راه‌کارهای کیفیت‌بخشی آموزشی به کلاس‌های چندپایه
بهره‌گیری از الگوهای ترکیبی و نوین تدریس	
تأمین امکانات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی موردنیاز	
بروز کردن و جبران کمبود اطلاعات حرفه‌ای معلمان	
بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی	

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی و راه‌کارهای بهبود آموزش در آن‌ها است. برای درک تجارب زیسته معلمان از روش پژوهش نمودشناسی تفسیری که از رویکردهای پژوهش کیفی و روش تحلیل محتوا است، استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مهمترین آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه روستایی شامل کمبود وقت، کمبود امکانات و تجهیزات کمک آموزشی، بهره‌گیری از معلمان کم‌انگیزه و کم تجربه، شیوه‌های تدریس ناکارآمد، تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی، دو زبانه بودن، ضعف علمی پایه‌ای دانش‌آموزان، غیبت زیاد دانش‌آموزان و معلمان و نامناسب بودن فضای آموزشی بود. با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حدود زیادی آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چندپایه در داخل و خارج کشور، با شدت و ضعف، یکسان هستند و این امر نشان می‌دهد بیشتر کشورهای دنیا با مسائل و مشکلات کلاس‌های چندپایه روبه‌رو هستند و برای رفع یا کاهش اثرات این چالش‌ها، نیازمند عزم همگانی در سطح کشور استان و کشور است، چرا که با بررسی پیشینه پژوهش، این واقعیت آشکار شد که از اوایل انقلاب شکوهمند اسلامی تاکنون، مشکلات کلاس‌های چندپایه همچنان پابرجا هستند، هر چند اقدامات مقطعی و محدودی صورت گرفته است، اما کافی نیست و مسئولان آموزش و پرورش باید در این زمینه طرحی نو دراندازند و با بهره‌گیری از تمام امکانات داخلی و تجارب کشورهای دنیا، به رفع این آسیب‌ها اهتمام ورزند تا عدالت آموزشی در کشور تحقق یابد.

مهمترین راه‌کارهای بیان شده در خصوص کیفیت‌بخشی به آموزش کلاس‌های چندپایه توسط شرکت‌کنندگان شامل انتخاب معلم‌یار از بین دانش‌آموزان برتر هر پایه، بهره‌گیری از الگوهای ترکیبی و نوین تدریس، تأمین امکانات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی موردنیاز، بروز کردن و جبران کمبود اطلاعات حرفه‌ای معلمان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بود.

در نهایت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که آموزش در این کلاس‌ها اگرچه توأم با مشکلات، محدودیت‌ها، معایب و نقاط ضعف است ولی نباید از نقاط قوت و محاسن آموزش در این کلاس‌ها چشم‌پوشی نمود، از جمله محاسن این کلاس‌ها می‌توان به تکرار و یادآوری مطالب آموزشی برای دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، فعال بودن و همیاری دانش‌آموزان در امر یادگیری، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، تعامل اجتماعی بالای دانش‌آموزان، آشنا شدن دانش‌آموزان پایه‌های پایین با محتوا و مطالب دروس سال‌های بعد، زُنده شدن و چند مهارتی شدن معلم، افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان را نام برد. معلم برای حداکثر استفاده دانش‌آموزان از مزایای این شیوه آموزش، بهتر است آنان را تشویق کند تا با همیاری یکدیگر و به صورت مشارکتی به یادگیری بپردازند. از این طریق تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان به دلیل داشتن تعامل با دوستان خود در کلاس که از سنین متفاوت هستند افزایش می‌یابد. در چنین محیطی دانش‌آموز، فردی فعال، پویا و مسئول می‌باشد.

منابع

- آقازاده، محرم (۱۳۹۱). تحلیل وضع موجود اجرای برنامه درسی در کلاس‌های درس چندپایه و ارائه الگوی عملی کیفیت بخشی در این زمینه. طرح پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- آقازاده، محرم؛ فضلی، رخساره (۱۳۸۹). راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه. تهران: آیتز.

- بشیری حدادان، کلثوم (۱۳۹۲). توصیف تجارب و ادراک معلمان و کارشناسان از آموزش در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی مناطق روستایی کلیر. دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال بیست و دوم، پاییز و زمستان ۹۴، دوره جدید شماره ۷: ۱۰۷-۱۲۰.
- پیروی چشناسر، شیرعلی؛ شعبان نژاد، رضا؛ کرمی پور شمس آبادی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی موانع و مشکلات مدیریت کلاس چندپایه ابتدایی در فرآیند تدریس از نظر آموزگاران مدارس چندپایه ابتدایی ناحیه ۱ قزوین. اولین همایش ملی علمی- پژوهشی. روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه، شهریور ۹۴: ۹۵۷۸-۹۵۴۸.
- حاجی اسحاق، سهیلا؛ حشمتی، فرخ‌لقا؛ مساعد مقدم، تقی (۱۳۸۳). فرآیند یاددهی- یادگیری در کلاس‌های چندپایه. تهران: موسسه کوروش.
- ده‌بندی، زینب (۱۳۸۹). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تجمیع شده و کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی استان مازندران و ارائه راه کارهای مناسب به مسئولان ذیربط، گزارش طرح پژوهشی آموزش و پرورش مازندران.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: نشر به.
- صمدیان، صمد (۱۳۸۵). شیوه اداره و تدریس در کلاس‌های چندپایه. تبریز: مولف.
- مکوسانا، کنعان؛ کاپیسا، ماری جویس (۱۳۸۶). خودآموز تدریس چندپایه (ترجمه محرم آقازاده). تهران: آییژ.
- میرشفیعی لنگری، سید داود (۱۳۹۴). یک موقعیت خاص به نام چندپایه، شیوه آموزش در کلاس چندپایه دوره ابتدایی. تهران: انتشارات مدرسه.

-۱- Adams, Rodger (2010) . The “Striven” Project . <http://www.cmge.co.za/category/5-domains>.

- Naylor, CH. (2000). Split – Grade And Multi – age Classes: A Review Of the Research

DC:Hyperlink“<http://www.bctf.bc.ca/ResearchReports/ooio2>”.

- Sargent ,Katherine. I. (2005). The Maine Learning Technology Initiative: What is the Impact on Teacher Beliefs and Instructional Practices?

Age Classes. A Best Evidence – - Veenman, S. (1995). Cognitive and Non Cognitive Effect Of Multi Synthesis. Review Of Educational Reseach. 65 (۴).



This document was created with the Win2PDF "print to PDF" printer available at <http://www.win2pdf.com>

This version of Win2PDF 10 is for evaluation and non-commercial use only.

This page will not be added after purchasing Win2PDF.

<http://www.win2pdf.com/purchase/>